

قواعد ویژه شرایط عام تکلیف، مانند بلوغ و عقل و رشد و اسلام (عنوان هشتاد و سوم تا نود و چهارم).

توجه به زمان تألیف کتاب، که در سال ۱۲۴۶ خاتمه یافته است (ج ۲، ص ۷۵۷)، اهمیت آن را در مواجهه با گرایش اخباری و تثبیت مبانی اجتهاد نشان می‌دهد (سبحانی، ص ۳۴۲). شیخ انصاری به آرای حسینی مراغی در العناوین توجه داشته است (همان، ص ۳۳۸؛ برای نمونه س انصاری، ج ۶، ص ۴۵). میرزا محمد تنکابنی (ص ۱۸۴) این کتاب را از دیگر آثار راجع به قواعد فقه، برتر شمرده است.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، *الدریعة الی تصانیف الشیعة*، چاپ علی‌نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳؛ همو، *طبقات اعلام الشیعة: الکرام البررة*، مشهد ۱۴۰۴؛ همو، *مصفی المقال فی مصنفی علم الرجال*، چاپ احمد منزوی، تهران ۱۳۳۷ ش؛ جعفرین باقرآل‌حبویه، *ماضی النجف و حاضرها*، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶؛ امین؛ محمدهادی امینی، *معجم رجال‌الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام*، [نجف] ۱۹۹۲/۱۴۱۳؛ مرتضی‌بن محمدامین انصاری، *کتاب المکاسب*، قم ۱۳۷۸ ش؛ محمدبن سلیمان تنکابنی، *قصص العلماء*، تهران: انتشارات علمیه اسلامی، [بی‌تا]؛ محمدعلی حبیب‌آبادی، *مکارم الآثار در احوال رجال دو قرن ۱۳ و ۱۴ هجری*، ج ۴، اصفهان ۱۳۵۲ ش؛ عبدالفتاح‌بن علی حسینی مراغی، *العناوین*، قم ۱۴۱۷-۱۴۱۸؛ جعفر سبحانی، *تذکره‌الاعیان*، قم ۱۴۱۹؛ حسین مدرسی طباطبائی، *مقدمه‌ای بر فقه شیعه: کلیات و کتابشناسی*، ترجمه محمد آصف‌فکرت، مشهد ۱۳۶۸ ش.

/ منی علی‌نژاد /

حسینی مرعشی ← سلطان‌العلماء، حسین بن محمد

حسینی (۱)، پرکاربردترین مکان مذهبی در میان شیعیان با کارکرد اختصاصی در برگزاری مراسم سنتی عزاداری و روضه‌خوانی به ویژه برای حضرت امام حسین علیه‌السلام و یارانش، و نیز با کارکرد عمومی در برگزاری آیینهای مذهبی و فرهنگی.

با وجود اهمیت زیاد مساجد در سراسر جهان تشیع، حسینی‌ها در اجرای مراسم ویژه سوگواری شیعی (سینه‌زنی، روضه‌خوانی و ذکر مصائب اهل‌بیت، نوحه‌خوانی و وعظ و، در برخی مناطق، تعزیه‌خوانی) جایگاهی اختصاصی یافته که مشتمل است بر مراسم دهه اول محرم یا اول محرم تا ۲۸ صفر؛ مراسم سوگواری برای پیامبر و دیگر معصومان علیهم‌السلام در دیگر ایام سال قمری؛ مراسم میلاد و منقبت‌خوانی برای معصومان علیهم‌السلام؛ و برگزاری مراسم ویژه ماه مبارک رمضان، از جمله شبهای قدر و مجالس قرائت قرآن. اجرای

مجالس ترحیم* شهروندان و برنامه‌های مذهبی و فرهنگی نیز از فعالیتهای معمول در حسینی‌هاست.

حسینی‌ها، به ویژه در ماههای محرم و صفر، کانون اصلی مراجعه و پررونق‌ترین مرکز ارتباط جمعی مناطق شیعه‌نشین به‌شمار می‌روند. حضور مردم در این مکانها و همیاری آنان برای آماده‌سازی و تأمین خدمات و اجرای مراسم، بدون در نظر گرفتن سن و جنسیت و وضع مالی و جایگاه و رتبه اجتماعی، امکان گسترده‌ای برای تقویت حس همدلی و همبستگی شیعیان فراهم می‌آورد و چون حسینی‌های هر محل معمولاً حائز هویت محلی ویژه خود هستند، این کارکرد اجتماعی حسینی‌ها در مقیاس محله، مناسبات عمیق و ریشه‌داری را در میان ساکنان ایجاد و تقویت می‌کند؛ به ویژه در ادوار متأخرتر، حسینی‌ها مرکزی برای برنامه‌های عام‌المنفعه، از جمله تشکیل صندوقهای قرض‌الحسنه، نیز هستند. کارکرد هویت بخشی و تقویت همبستگی در حسینی‌های متعلق به جمعیت‌های مهاجر یا مسافر در شهرهای دیگر، مثلاً حسینی‌های آذربایجانها در تهران و حسینی‌های ایرانیان در عتبات عالیات، بارزتر است (س ادامه مقاله).

به دلیل متأخر بودن واژه حسینی و فقدان آن در متون کهن، این ساختار ظاهراً در امتداد ساختارهای مسجد*، زاویه و تکیه*، و در نتیجه ترکیب و تلفیق و بازتولید بخشهایی از ساختار و کارکردهای آنها، از عصر صفوی به بعد، و به احتمال بسیار نخستین‌بار در حوزه فرهنگی شیعی ایران، به وجود آمده است. در دوره آل‌بویه، به دستور معزالدوله دیلمی در ۳۵۲، مردم در روز عاشورا خیمه‌هایی برای عزاداری در خیابانها برپا کردند (فقیهی، ص ۴۶۶). بر پاکردن این خیمه‌ها، به عنوان محل‌های موقت عزاداری حسینی، با استفاده از داربستهای چوبی یا فلزی و پوشاندن آنها با پارچه‌های برزنتی، همچنان مرسوم است، اما درباره احداث بناهای دائم با عنوان حسینی، در منابع متقدم گزارشی نیامده است. آیینهای عزاداری در مساجد، مزارات معصومان، امامزاده*ها، بازار*ها، تکیه‌ها و جز اینها برگزار می‌شده و اختصاص بنایی به نام حسینی، به منظور عزاداری، به احتمال بسیار از دوره قاجار تثبیت شده است، چنان‌که تاریخ بنای حسینی‌های مهم و معروف نیز تاریخی قدیم‌تر را نشان نمی‌دهد (س دایرة‌المعارف تشیع، ذیل مداخل‌های حسینی).

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد روند غلبه بسامدی واژه حسینی در خرده فرهنگ عزاداری سنتی شیعی، به خلط میان این واژه و واژه تکیه منجر شده باشد. گفته شده که تفاوت کلی تکیه و حسینی در این است که در وسط تکیه‌ها سکویی برای اجرای تعزیه تعبیه می‌شده و برگزاری تعزیه از عصر صفوی به بعد از

۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۱). در شهرهای زیارتی پراهمیتی چون کربلا و نجف، حسینیه‌ها برای پذیرایی از مسافران نیز به کار می‌روند؛ مانند حسینیه تهرانیا در کربلا، که بزرگ‌ترین حسینیه آنجا به شمار می‌رفت و با هدایا و نذورات مردم تهران ساخته شده بود. این حسینیه، علاوه برداشتن شبستانی وسیع در طبقه اول و زیرزمینهای بزرگ و متعدد، بیش از دویست اتاق برای سکونت زائران داشت. این حسینیه در جریان قیام شیعیان عراق در ۱۳۷۰ ش، به دست ارتش بعث ویران شد (انصاری قمی، وقف، سال ۲، ش ۳، ص ۸۴).

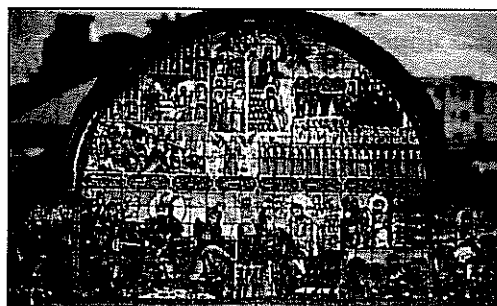
حسینیه‌ها معمولاً بناهایی منفردند ولی گاهی در مجموعه‌ای شامل باغ، مسجد، ایوان، حمام و بازارچه و جز اینها نیز بنا می‌شوند، مانند حسینیه مشیر در شیراز (همایونی، ص ۱۰-۱۴؛ دایرةالمعارف تشیع، ذیل «حسینیه مشیر») و حسینیه امیر سلیمانی در تهران که شامل کتابخانه و درمانگاه نیز هست (همانجا، ص ۲۴۹-۲۵۵؛ دایرةالمعارف تشیع، ذیل «حسینیه امیر سلیمانی»).

نمای داخلی و بیرونی بیشتر حسینیه‌ها ساده است، ولی برخی حسینیه‌ها از لحاظ تزئینات داخلی و بیرونی از نمونه‌های حائز اهمیت‌اند، مانند حسینیه شیخ محمدتقی فرحی و حسینیه آقا شیخ علی در بهشهر مازندران و حسینیه مشیر (همایونی، همانجا؛ ستوده، ج ۴، بخش ۱، ص ۶۹۰-۶۹۱). در این میان، حسینیه ارشاد* نیز هست که با اهداف فرهنگی و اجتماعی در حدود سال ۱۳۴۵ ش در تهران تأسیس شده و از معماری مدرن متناسب با کارکرد خاص خود، از جمله تالار برگزاری سخنرانی برخوردار است.

تأمین هزینه‌های احداث و نگهداری و برگزاری مراسم در حسینیه‌ها را برخی بانیان متمول برعهده می‌گیرند و معمولاً درآمدها یا املاک را به این منظور وقف می‌کنند. گاه این هزینه‌ها را مردم به صورت دسته جمعی برعهده می‌گیرند. برخی نیز منزل خود را به طور دائم یا موقت به صورت حسینیه درمی‌آورند. غیر از انگیزه عمومی مذهبی، نذر برای شفای بیماران یا حصول موفقیت در کاری مهم نیز انگیزه احداث این حسینیه‌های دائم یا موقت است (همانجا، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد، همانجا).

گاه نام واقف یا بانی را بر روی حسینیه می‌گذارند، مثل حسینیه سید محمد صالح در کربلا، حسینیه اصطهباناتی در نجف و حسینیه مؤمن علی یزدی در کاظمین (همانجا، ص ۱، ش ۲، ص ۷۷، ش ۳، ص ۸۴، سال ۳، ش ۱، وقف).

پیش‌شماره: سلطان کربلا، تهران ۱۳۸۲ ش، ص ۸۵



نمای کامل کاشی‌کاری هفت رنگ در ایوان شمالی حسینیه مشیر (قبل از آتش‌سوزی)، شیراز، عکس از: کریم امامی

ویژگیهای تکیه‌ها محسوب می‌گردیده، اما حسینیه به طور خاص، محل سینه‌زنی و روضه‌خوانی بوده است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲ ش، ص ۱۸۲). با این وصف، این وجه تمایز چندان دقیق نیست، زیرا در بسیاری از حسینیه‌ها نیز برگزاری تعزیه معمول بوده است.

در واقع، تسمیه مکانهای ویژه عزاداری حسینی، در مناطق گوناگون شیعه‌نشین تابع مناسبات و ادبیات محلی بوده است و از میان این تلفیهای متنوع نمی‌توان به استخراج قاعده پرداخت. مثلاً در ایران و عراق، بیشتر واژه تکیه و در روندی روبره رشد، حسینیه در کنار واژه‌هایی چون میدان و چهارسوق به کار می‌رفته است، اما شیعیان عمان و بحرین از واژه مأتم، شیعیان شبه‌قاره و پاکستان از واژه‌های امام‌بارا* / امام‌باره و عاشورخانه و عزراخانه، و در افغانستان از واژه منبر استفاده می‌کرده‌اند (توسلی، ص ۸۲؛ جانب‌اللهی، ص ۱۵-۲۰؛ د. اسلام، چاپ دوم، ذیل "Imām-bārā"; دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل «امام‌باره»؛ دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد^۱، ذیل واژه: تاسی، ص ۵۳؛ فرهنگ، ص ۳۰۸-۳۱۸؛ ولی، ص ۱۲۵-۱۲۶). در ایران معاصر، بیشتر مکانهایی که برای برگزاری مراسم عزاداری حسینی بنا می‌شوند حسینیه نامیده می‌شوند (همانجا، ج ۱، ص ۱۴۵-۱۴۶) و تقریباً دیگر هیچ مکان نوساخته‌ای را با این کاربرد، تکیه نمی‌نامند و حتی در بازسازیها، نام تکیه‌ها را به حسینیه یا مسجد برمی‌گردانند (همانجا، ج ۱، ص ۵۱۰؛ شاطری، ص ۳۳).

حسینیه‌ها معمولاً معماری ساده‌ای دارند و فضایی سرپوشیده برای تجمع‌اند، گو اینکه در بسیاری موارد از لحاظ موقعیت در بافت شهری (مثلاً در شهرهای نائین، زواره، تفت و میند)، حسینیه‌ها نقطه ارتباط اصلی میان خیابانها هستند و بخش مهمی از کالبد معماری شهر را تشکیل می‌دهند و مهم‌ترین فضای سرپوشیده هر محله تلقی می‌شوند (سلطان‌زاده،

1. The Oxford encyclopedia of the Modern Islamic world

2. Tassy

ص ۱۰۱) یا آنها را به نام اصناف می خوانند، مانند حسینیة خیاطها، حسینیة دباغها، حسینیة صباغها، هر سه در بیرجند (رضائی، ص ۱۲۶-۱۲۷) یا حسینیة خرازاها، حسینیة نجارها، حسینیة قنادها و حسینیة بزازها، همگی در سبزوار (محمدی، ص ۲۶۱). حسینیة هایی که اهالی برخی شهرها در شهرهای دیگر بنا می کنند، به نام گروه مهاجران یا زائران خوانده می شوند، مانند حسینیة اصفهانیا، حسینیة تهرانیا، حسینیة قمیا، و حسینیة آذربایجانیا، همگی در کرمان (انصاری قمی، وقف، سال ۲، ش ۳، ص ۸۳-۸۴). برخی حسینیة ها نیز به نام محله ای که در آن واقع شده اند خوانده می شوند، از جمله در نائین، ابیانه و کاشان (سلطان زاده، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۳۰؛ بلوکباشی، ص ۵۹، ۶۱؛ مشهدی نوش آبادی، ص ۱۰). نام گذاری حسینیة ها به نام امامان و معصومان و فرزندان آنها نیز مرسوم است (محمدی، ج ۱، ص ۱۵۱، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۸۰ و جاهای دیگر).

حسینیة ها از پر شمارترین فضاهای دینی و مذهبی در جهان تشیع اند، به طوری که تقریباً در همه محله های شیعی دست کم یک حسینیة دائم وجود دارد. گفته شده که لکهنو در اواسط دهه ۱۲۱۰/ اوایل دهه ۱۸۰۰ حدود دوهزار و تهران در اواخر دهه ۱۳۴۰ ش حدود ۶۳۰ حسینیة داشته است (دایرةالمعارف جهان اسلام آکسفورد، همانجا). همچنین براساس آمار ۱۳۷۵ ش، ۸۷۵۲ حسینیة در ایران وجود داشته که بیش از ۱۱٪ کل اماکن دینی و مذهبی کشور را تشکیل می داده است (میرمحمدی، ص ۷۱-۷۲).

منابع: محمدرضا انصاری قمی، «موقوفات ایرانیان در عراق»، وقف: میراث جاویدان، سال ۲، ش ۱ (بهار ۱۳۷۳)، ش ۳ (پاییز ۱۳۷۳)، سال ۳، ش ۱ (بهار ۱۳۷۴)؛ علی بلوکباشی، نخل گردانی: نمایش تمثیلی از جاودانگی حیات شهیدان، تهران ۱۳۸۰ ش؛ علی تابنده، خورشید تابنده: شرح احوال و آثار عالم ربّانی و عارف صمدانی حضرت آقا حاج سلطان حسین تابنده گنابادی «رضاعلی شاه» (طاب ثراه)، تهران ۱۳۷۳ ش؛ محمود توسلی، «حسینیة ها - تکلیا - مصلی ها»، در معماری ایران: دوره اسلامی، به کوشش محمدیوسف کیانی، ج ۱، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶ ش؛ محمدسعید جانب اللهی، تأثیر اماکن مذهبی بر بافت محلات سنتی شهرستان تفت، در مجموعه مقالات مردم شناسی، دفتر ۳، [تهران] سازمان میراث فرهنگی کشور، مرکز مردم شناسی، ۱۳۶۶ ش؛ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بسجنوردی، تهران ۱۳۶۷ ش -، ذیل «امام باره» (از یدالله غلامی)؛ دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، کامران فانی و بهاء الدین خرمشاهی، تهران ۱۳۶۶ ش -، ذیل «حسینیة ارشاده» (از حسن یوسفی اشکوری)، «حسینیة امیرسلیمانی»، «حسینیة مشیر» (از پرویز ورجاوند)؛ جمال رضائی، بیرجند نامه: بیرجند در آغاز سده چهاردهم خورشیدی، به اهتمام محمود رفیعی، تهران ۱۳۸۱ ش؛

منوچهر ستوده، از آستارا تا استارباد، تهران ۱۳۴۹ ش -؛ حسین سلطان زاده، روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، تهران ۱۳۶۲ ش؛ همو، نائین: شهر هزاره های تاریخی، تهران ۱۳۷۴ ش؛ علی اصغر شاطری، واژه نامه محرم (کاشان)، کاشان ۱۳۸۳ ش؛ جعفر شهری یاف، طهران قدیم، تهران ۱۳۸۱ ش؛ سلمان هادی طعمه، کرمان فی الذاکرة، بغداد ۱۹۸۸؛ محمدحسین فرهنگ، جامعه شناسی و مردم شناسی شیعیان افغانستان، قم ۱۳۸۰ ش؛ علی اصغر فقیهی، آل بویه و اوضاع زمان ایشان با نموداری از زندگی مردم در آن عصر، تهران ۱۳۵۷ ش؛ محمود محمدی، فرهنگ اماکن و جغرافیای تاریخی بیته (سبزوار) براساس معجم البلدان یا قوت و تاریخ بیته، سبزوار ۱۳۸۱ ش؛ محمد مشهدی نوش آبادی، نوش آباد در آینة تاریخ: آثار تاریخی و فرهنگ، کاشان ۱۳۷۸ ش؛ حسین معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه های علمیه و کشورهای جهان، ج ۱، قم ۱۳۷۸ ش؛ حیدرضا میرمحمدی، «براکندگی جغرافیایی اماکن مذهبی کشور در قالب استانی»، مجلد، ش ۵۸ (مهر و آبان ۱۳۸۰)؛ محمدطه ولی، المساجد فی الاسلام، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۹؛ صادق همایونی، حسینیة مشیر، عکاسی از عباس بهمنی و منوچهر چهرنگار شیرازی، تهران ۱۳۷۱ ش؛

El², s.v. "Imām-bārā", (by K. A. Nizami); *The Oxford encyclopedia of the Modern Islamic world*, ed. John L. Esposito, New York 1995, s.v. "Husayniyah" (by Gustav Thaiss); Garcin de Tassy, *Muslim festival in India and other essays*, tr. and ed M. Waseem, Delhi 1997.

/ محمد مشهدی نوش آبادی /

حسینیة (۲)، یکی از فرق زیدیه قائل به رجعت

حسین بن قاسم عیانی (یکی از امامان زیدیه یمن). در تاریخ زیدیه درباره مهدی موعود و ظهور مدعیان مهدویت، بحثهای جدی وجود دارد (عبدالله بن حمزه منصورالله، ص ۱۹۴). یکی از مهم ترین این موارد، ادعای مهدویت حسین بن قاسم عیانی در آغاز قرن پنجم است که به پیدایی فرقه حسینیة انجامید.

حسین بن قاسم عیانی پس از مرگ پدرش، جانشین او و عهده دار امامت زیدیان یمن شد و در ۴۰۴ در میدان نبرد به قتل رسید، ولی گروهی از پیروان او مرگش را نپذیرفتند و مدعی شدند که او همان مهدی موعودی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله ظهورش را وعده فرموده و پس از یک دوره غیبت، برای اقامه عدالت بازخواهد گشت. اعتقاد به علم غیب، دریافت وحی و انجام دادن کارهای خارق العاده در مورد حسین بن قاسم و باورهای شگفت انگیزی همچون برتری وی بر همه پیامبران و از جمله پیامبر اسلام و ترجیح سخن او بر همه کتابهای آسمانی و از جمله قرآن، از دیگر عقاید این فرقه است